

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ارسالی: حزب کار ایران (توفان)

۱۹ اکتوبر ۲۰۱۴

پیشگفتار حزب کار ایران (توفان)

## پیرامون کتاب تحریف کنندگان تاریخ

انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران سندی تاریخی از اتحاد

جماهير شوروی سوسیالیستی در فبروری ۱۹۴۸

<http://toufan.org/Ketabkhaneh/Tahrifkonandegan%20tarikh%201409.pdf>

مطالعه این سند تاریخی را به همه پژوهشگران بی غرض و همه کمونیستهای راستین و همه مدافعان آزادی

و استقلال توصیه می کنیم.

\*\*\*\*\*

چرا این سند منتشر می شود

تجاوز هیتلر با ایدئولوژی نژادپرستانه خود به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بزرگترین خطری بود که در تاریخ بشریت پدید آمد. دیو فاشیسم قصد داشت خلق‌های جهان را در زیر سلطه نژاد برتر قرار داده، آزادی آنها را از بین برده، بازارهای جهانی را در دست گرفته، سایر امپریالیست‌ها را از میدان بدر کرده و دیکتاتوری پرولتاریا در اتحاد شوروی را نابود کند.

فاشیسم بهیمی‌ترین دشمن بشریت، سد راه تکامل و ترقی جهان، نماینده ارتجاعی‌ترین، و سیاه‌ترین قشر بورژوازی بزرگ مالی بود که با تکیه به احساسات سرکوب شده و سوزان توده‌های مردم، با انگشت‌گذاری بر خواست‌های عقب مانده شده و انتقام جویانه و نا آگاه به ویژه خرده بورژوازی، میلیون‌ها مردم، جهان را به کام مرگ و نیستی کشید. پیروزی و یا شکست فاشیسم برای بشریت، دارای مهم‌ترین اهمیت بود. پیروزی و یا شکست فاشیسم، راه نیل به استقلال و آزادی و پایان استثمار انسان از انسان و یا راه گشایش اسارت و بندگی بشریت و استثمار بی پایان طبقه کارگر بود. پیروزی و یا شکست فاشیسم، مسأله مرگ و زندگی محسوب می شد و حداقل راه تکامل بشریت برای مدت میدیدی مسدود می گردید. مقاومت در قبال تجاوز افسار گسیخته، تفوق طلبانه، توسعه طلبانه و بربرمنشانه دیو فاشیسم و افشای توطئه‌های این عفریت و طاعون خطرناک از وظایف نیروهای صلحدوست و به ویژه طبقه کارگر جهانی و در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به رهبری حزب کمونیست آن و رفیق ستالین بود.

خلق‌های سراسر جهان، ملل صلحدوست و طبقه کارگر جهانی، در قبال جانفشانی‌ها و قهرمانی‌های خلق‌های قهرمان اتحاد شوروی، که پوزه خون آشام فاشیسم را به خاک مالیدند، سر احترام فرود آورده و از دستاوردهای پیروزی جنگ

ضد فاشیستی که برای جامعه مشترکی از ملت‌ها بر اساس تساوی حقوق، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و همکاری مشترک بود، حمایت می‌کنند.

پیروزی بر فاشیسم چهره جهان را تغییر داد. از این مبارزه دیکتاتوری پرولتاریا و نتایج دست آوردهای ۲۸ ساله سوسیالیسم در شوروی سربلند و پیروزمند به درآمد. خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی و طبقه کارگر قهرمان آن یک پارچه در زیر پرچم حزب کمونیست اتحاد شوروی گرد آمدند و چون تنی واحد کلیه توطئه‌های فاشیست‌ها و امپریالیست‌های انگلیس، فرانسه و آمریکا را نقش بر آب کردند. پیروزی بر فاشیسم، شکست توطئه‌های امپریالیسم، فروریختن نظام مستعمراتی، پیدایش اردوگاه سوسیالیسم و رشد عظیم جنبش وسیع کارگری در سراسر جهان، حاکی از حقانیت سوسیالیسم بود که در طی دوران طولانی و در عمل برتری خود را به ثبوت رسانده بود.

مردم سراسر جهان می‌دانند که بسیج و رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نیروهای افسانه‌ئی ارتش سرخ که قدرت نظامی المان را نابود کرد و بر آن پیروز شد، مبارزه دیپلماتیک حاد به منظور تأمین صلح عادلانه، پس از جنگ، با نام ستالین عمیقاً درآمخته است ستالین منبع الهام میلیون‌ها مردم گیتی و طبقه کارگر جهان، از پارتیزان‌های فرانسه تا کمونیست‌های چینی بود و این حقیقت را با هیچ ساتری نمی‌توان کتمان کرد.

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی با مهارت و تردستی مبارزه طبقاتی را در عرصه دیپلماتیک هدایت کرد و با خنثی نمودن توطئه امپریالیست‌های انگلیس، فرانسه و آمریکا و با استفاده از تضادهای میان امپریالیست‌ها و ارزیابی مارکسیستی از اوضاع سیاسی جهان، فاشیسم هیتلری را به انزوای کامل کشانید. ستالین می‌دانست که امپریالیست‌ها نمی‌توانند برای مدت مدید استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را در کنار خود تحمل کنند، زیرا این حقیقت که طبقه کارگر شوروی با آزادی یک ششم کره ارض و لغو کار مزدوری و پایان بخشیدن به استثمار، چون منبع الهامی برای طبقه کارگر، به ویژه اروپا بود، همچون خاری در چشمان امپریالیست‌ها می‌خلید. ستالین با هوشیاری طبقاتی و با درک عمیق خود از تحولات سیاسی و آینده‌نگری ژرف خود، اتحاد جماهیر شوروی را برای دفع تجاوز فاشیست‌ها و امپریالیست‌ها آماده کرد و به نیروئی قدرتمند برای دفاع از آزادی و دموکراسی و رهائی بشریت بدل نمود.

آنان که امروز نام ستالین را از جنگ کبیر میهنی می‌زدایند، تحریف‌گر تاریخ و مثنی‌یابوه‌گو و عوامفریبند و آنان که در حمله به ستالین، به حمایت از هیتلر می‌پردازند و در معاملات کثیف کنونی خود دست آورد های سوسیالیسم را در دوران ستالین قربانی می‌کنند، از دار و دسته همان دشمنان سوسیالیسم و در رأس آنها رویونیست‌های شوروی و فاشیست‌های المانی و امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و جاپان قرار دارند.

رویزیونیست‌های نازا و عقیم از زمان قدرت یابی خروشچف، دست‌آوردی جز نکبت و خواری، جز ورشکستگی و سرشکستگی، جز آشفته‌فکری و ایجاد تشنت برای نهضت کمونیستی نداشته‌اند. اگر شوروی ستالین آزادی بشریت را مد نظر داشت، رویونیست‌های کنونی و در رأس آنها گوربچف در زد و بند با آمریکا بر سر مناطق نفوذ، دورنمای اسارت بشریت را ترسیم می‌کنند که چگونه باید در پای منافع دو قدرت بزرگ قربانی شود و در این راه نیز شرم و حیا به خود راه نمی‌دهد که از امریکای لاتین، افریقا و آسیا به تقسیم "عادلانه" غنایم بپردازد. اینک به ویژه در پنجاهمین سالگرد پیمان عدم تجاوز شوروی - المان که تحریف تاریخ توسط مثنی‌بی وجدان سیاسی آغاز شده است و کلیه وسایل ارتباط جمعی برای شست و شوی مغزی، در اختیار گرفته تا با حمله به سی سال تجربه دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی، گور سوسیالیسم و کمونیسم را برای چند صدمین بار بکنند و خاتمه کار آن را برای همیشه و چون تجربه ای شکست خورده اعلام دارند. بر کمونیست‌های واقعی است که این پرچم را به دست گیرند، دروغ‌ها و یابوه‌گویی‌های رویونیست‌ها را برملا ساخته و به بشریت دورنمای روشن سوسیالیسم را که تنها راه نجات وی است، نشان دهند.

حزب کار ایران و سازمان کارگران مبارز ایران این امر مهم را از وظایف خود می دانند و مصمم اند تا آنچه را که در توان دارند، در راه پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم به کار گیرند.

اخیراً رویزیونیست‌ها و امپریالیست‌ها کار وقاحت را به جانی رسانده اند که در حمله به ستالین و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به حمایت از هیتلر برخاسته اند. این جبهه مشترک به قدری بدون مرز است که معلوم نیست آقای ویکتور سووروز (SVWOROWS) جاسوس سابق شوروی که به خدمت انتلیجنت سرویس انگلیس در آمده، از دستورات کدام ارگان جاسوسی پیروی می کند و چگونه است که جنجال کنونی بر سر کتاب وی با اظهارات آقای گوربچف همزمان می گردد. حقیقتاً که رویزیونیست‌ها و امپریالیست‌ها دشمن مشترک طبقه کارگر هستند و مبارزه ضد رویزیونیستی از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست.

ما در زیر بخشی از این اظهارات را به چاپ می رسانیم .

"دشنام سیاسی همیشه روی عدم اصولیت ایدئولوژی، بیچارگی، ضعف و سستی فوق العاده، دشنام دهنده سرپوش می گذارد"

[لنین "اهمیت سیاسی دشنام"]

خروشچف در گزارش مخفی خود که آن را به دست "سیا" رسانید تا در خارج شوروی منتشر کند، گفت: "و چه خوب بود! اگر ستالین ده سال زودتر می مرد" بر همه معلوم است که ستالین در سال ۱۹۵۳ چشم از جهان پوشید. اگر ستالین ده سال زودتر می مرد، این درست در سال ۱۹۴۳ می بود که اتحاد شوروی در جنگ میهنی حمله متقابل را شروع نموده بود. در آن موقع چه کسی آرزو داشت که ستالین بمیرد؟ هیتلر!

[نقل از اثر مسأله درباره استالین]

آقای خروشچف و دلک‌هایی نظیر وی در ایراد چنین اتهامات و بیان چنین آرزوهائی، تنها نیستند و از باغ ایشان بر تازه ای رسیده است. نظریات ویکتور سووروز یکی از نمونه نظریاتی است که با الهام از ایده خروشچف به رشته تحریر آمده و در کتاب "یخ شکن، هیتلر در محاسبات ستالین" منعکس شده است. ویکتور سووروز که ظاهراً نام مستعار وی می باشد، گویا در سال ۱۹۷۸ از شوروی به انگلستان گریخته است. مطابق اظهاراتی که درباره وی می شود دو مدرسه نظامی را پشت سرگزارده و اکادمی نظامی دیپلماتیک را تمام کرده است. وی به منزله جنرال ستاد باید به عنوان مأمور مخفی سازمان امنیت شوروی GRU در لباس دیپلمات به ممالک اروپای غربی اعزام شده باشد. وظیفه ای که وی به عهده دارد مبارزه علیه ستالین، حمله به وی و دفاع از آلمان هیتلری و تبرئه فاشیسم می باشد. وی در کتاب خود می نویسد:

"زمانی که فاشیست‌ها به قدرت رسیدند، ستالین با سرسختی و پشتکار به جنگ تحریک کرد. پیمان مولوتوف - ربین تروپ اوج این زحمات را نشان می داد. با این پیمان ستالین برای هیتلر آزادی عمل در اروپا فراهم کرد و در واقع روزنه جنگ جهانی دوم را گشود.

دلایل زیادی وجود دارد که زمان عملیات شوروی "صاعقه" (منظور سووروز حمله به آلمان است - م.) در ۶ جولای ۱۹۴۱ تعیین شده بود در ۲۲ جون ۱۹۴۱ هیتلر نقشه جنگی شوروی را برهم زد....

هیتلر به رهبران شوروی اجازه نداد جنگ خود را طوری انجام دهند که در نظر داشتند. "

آقای ویکتور خان پس از توضیحات فراوان از سخنان درگوشی و یاهه گوئی‌های ساخته و پرداخته این و آن و این که ستالین قصد داشته آلمان را تصرف کند، می نویسد:

"برای هیتلر چه راهی باقی می ماند؟ باید صبورانه انتظار می کشید تا تبر ستالین بر گردنش فرود آید؟"

لیکن حقایق تاریخی چهره دیگری دارند. پرونده‌های حکومت رایش، صورت مذاکرات جنرال‌های المان در ۳ فروری ۱۹۳۳، چهار روز قبل از به قدرت رسیدن هیتلر، یادداشت‌های جنگی روزانه فرماندهی ارتش المان و رئیس ستاد ارتش، نقشه‌های پیشروی و تهاجم به اتحاد شوروی در آغاز جون ۱۹۴۰ فرمان شماره ۲۱ پیشوا برای عملیات "بارباروسا" (مؤرخ ۱۸ دسمبر ۱۹۴۰)، یادداشت‌های روزانه گوبلز. همه این اسناد انکار ناپذیر از این حکایت می‌کنند که سیاست امپریالیستی کسب "فضای زندگی" برای المان‌ها و ایدئولوژی نژادپرستانه "جنگ نابود کننده" به ضد اتحاد شوروی این نظام "یهودی بلشویکی" از مدت‌ها قبل تدوین شده بودند و همانگونه که ستالین بارها به نحو استادانه و داهیانانه تذکر داده، حمله دستورالعمل بورژوازی در قبال دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی بود.

هیتلر در کتاب "نبرد من" نوشت:

المان یا به قدرت جهانی بدل می‌شود و یا از بین می‌رود. برای تبدیل شدن به قدرت جهانی به آن وسعتی نیاز دارد که در زمان امروزی به وی اهمیت لازم و به شهروندانش زندگی را عرضه کند.....

اگر امروز ما در اروپا از سرزمین و مناطق نوین سخن می‌گوئیم در درجه اول فقط می‌توانیم به روسیه و به ممالک کناری که در اسارت وی هستند فکر کنیم.

گوبلز وزیر تبلیغات المان در دفتر خاطرات خود می‌نویسد:

"حمله به روسیه به محض این که پیشروی ما به اتمام برسد، آغاز می‌گردد و این تقریباً در طی یک هفته اتفاق می‌افتد..... حمله ای که تاریخ به خود دیده است. نمونه ناپلئون تکرار نخواهد شد..... روس‌ها دقیقاً در سرحد تجمع کرده اند. این بهترین اتفاقی است که می‌تواند بیفتد اگر پراکنده در داخل بودند، آنوقت خطر بزرگتری محسوب می‌شدند آنها راحت در هم شکسته می‌شوند..... ما در مقابل یک لشگر کشی پیروزمند بی سابقه قرار داریم."

آقای گوریچف در مقابل روشنفکران لهستانی در طی نطقی اظهار داشت:

"آنچه مربوط به انعقاد قرارداد دوستی میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و المان و در همین مورد اظهارات مولوتف می‌شود، ما بر این نظریه که این نه تنها یک سیاست غلط با نتایج فاجعه بار برای ما، سایر کشورها و برای جنبش کمونیستی بود، بلکه انحرافی تحریک آمیز از لنینیسم، زیر پا گذاردن اصول لنینیسم را نشان می‌دهد."

آری خروشچف، سووروز و گورباچف همه در یک جبهه قرار دارند، همه بر سوسیالیسم لجن می‌پاشند و به افتراء زنی و تحریف تاریخ مشغولند. پندار، گفتار و کردار آنان ضد لنینیسم و ضد کمونیسم است.

**سازمان کارگران مبارز ایران**

**حزب کار ایران (توفان)**

نوامبر ۱۹۸۸

**www.toufan.org**